۱۲۹

سلسله درسهای عرفانی

هُوَ ۱۲۱

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

شما وقتی یک مقصدی دارید، هدفی دارید که می‌خواهید به آن برسید، مثلاً قم یا اصفهان یا نمی‌دانم مشهد می‌خواهید بروید، وقتی در این راه وارد شدید، شروع به رفتن به مقصد کردید، بین راه یک جایی خوش آب و هوا واقع شده اگر وقت ناهارتان یا شامتان یا چای باشد، می‌نشینید آنجا غذا می‌خورید ولی دیگر نمی‌نشینید آنجا، یک حوضچه‌ای درست کنید و با آب بازی کنید و اگر تابستان باشد آب‌تنی کنید، راهتان را می‌گیرید می‌روید. هدف را در نظر می‌گیرید. در بین راه اگر هم شادمانی، آسایشی بود، استفاده می‌کنید منتها به آن دل نمی‌بندید. این همین مثالی است که برای دنیا زدم ولی بطور اخصّ این مثال در مورد خودِ دنیا همین است. به‌خصوص اینهایی که خیلی‌ها می‌آیند درویش می‌شوند، از درویشی فهم و درک کمی داشتند، می‌خواهند بیایند ببینند چیست؟ بیایند. حتّی بعضی‌ها برای خودشیرینی می‌آیند می‌گویند این هم گردش و تفریح است. البتّه این گناه ندارد ولی ناقص است در آن صورت چون برای امر دیگری آمدید، از درویشی مطلب مهمی درک نمی‌کنید، از درویشی چندان لذّتی نمی‌برید ولی وقتی خودتان را خالص کردید، برای خالصِ درویشی، در آن صورت لذّت می‌برید.

من خیلی‌ها را دیدم، اینهایی که طالب هستند، بهتر این است که اوّل یک درکی از این داشته باشید مثل اینکه مثلاً داستان‌های قدیمی که افسانه‌ها می‌نوشتند، می‌بینید یک چهاردیواری است، می‌روید درِ آن قفل است، راهتان نمی‌دهند. باید ببینید که اینجا چیست؟ اگر دیدید که در آنجا از گوشه‌های دیوار آتش شعله می‌زند یا اینکه مار و عقرب و این حیوان‌ها از آنجاها رد می‌شوند که می‌گویید این دیوار مخروبه است، به چه درد می‌خورد؟ باید اوّل بدانید در آن چیست؟ وقتی می‌بینید گُل دارد، درخت دارد، سبزه دارد یک آبشاری می‌آید، آنوقت لذّت پیدا می‌کنید و خواهش می‌کنید در را باز کنند، شما را راه بدهند ولی همینطوری، به هر در بسته‌ای که رسیدید نمی‌روید در بزنید، بگویید در را باز کن، من هم بیایم! خیلی از درویشی‌ها اینطوری است، هر چه می‌توانید نیّت‌تان را برای درویشی‌تان خالص‌تر کنید. یکی می‌گوید من آمدم نمی‌دانم گرفتاری، چنین، درویش شدم ولی این چه درویشی است؟ چه فایده؟ من زندگی‌ام همانطور بوده، همانطور خراب است. درویشی برای این است که اصلاً اگر هم رفتید، بروید در آن دنیا خوب باشید ولی این هم در این هست که چون یکی از چیزهای درویشی همبستگی، محبّت به همه است، همه به هم محبّت می‌کنند و مشکلات هم را رفع می‌کنند. این هست ولی این جزء اساس درویشی نیست، این حواشی درویشی است. به این معنی که در همین درویشی هم اگر خوش‌بیان، خوش‌صحبت، مهربان باشید، همه به شما محبّت می‌کنند

ولی اگر نه، بداخلاق باشید، متوقّع باشید که چون درویش شدید هر درویشی هست، باید در خدمت شما باشد، بدتر می‌شود.

این است که نیّت را خالص کنید، برای خاطر کارهای دنیایی نخواهید که وارد یک مکتبی، یک کلاسی بشوید که تمام آسایش دنیا و آخرت را برایتان دارد. آسایش دنیای آن از آرامشی است که خدا به شما می‌دهد. فکر کنید دو نفر، سه نفر از ناهاری بیرون آمدند، یکی از آنها نان خالی خورده، یکی چلوکباب خورده، یکی در یک مهمانی عظیمی بوده. الان که در صورت ظاهرشان هیچ فهمیده نمی‌شود، همه هم سرحال و خوشحال هستند. این ظواهر است، شما به این ظواهر کار ندارید، ظواهر مطابق گردش جهان برقرار می‌شود. درویشی، برادری و محبّت و صلح هست، هَلِ الدِّینُ إِلَّا الْحُبُّ که حضرت صادق فرمودند، در واقع اساس درویشی است یعنی باید همیشه دوست داشته باشید، به دیگران محبّت کنید. البتّه به اضافه‌ی این مطلب که خداوند زن و مردی آفریده که اینها یک رعایت‌هایی باید بکنند. حتّی خداوند در آیه‌ای راجع به زنانِ پیغمبر خطاب به آنها می‌فرماید که فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذی فی قَلْبِهِ مَرَضٌ (سوره احزاب، آیه ۳۲) با بیگانه‌ها خیلی خوش‌بیان و خوش‌صحبت و سرحال نباشید برای اینکه آن کسی که در دلش یک خرده مرض و خدشه هست (خلاصه خرده شیشه دارد)، او در شما طمع می‌کند. به این نکته توجّه کنید. غیر از این نکته به همه محبّت و اشتیاق و مهربانی داشته باشید. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح جمعه، تاریخ ۱۳۹۴/۵/۹، جلسه خواهران ایمانی)

*****

این عبارت متداول است، مشهور است که می‌گویند: عیسی علیه‌السلام پیغمبر درویش‌ها بود، پیغمبر عرفا بود، یا عارفِ پیغمبران بود. این البتّه به آن معنایی که آنها می‌گویند درست است ولی پیغمبران همه یکی هستند، «پسندم آنچه را جانان پسندد». هیچی از خودشان ندارند، هر چه دارند امر خداست ولی منظور این *انجیل*، دستورات حضرت عیسی را که می‌بینیم بیشتر و بلکه تقریباً همه‌ی آن، دستورات عرفانی اخلاقی است. *تورات*، هم داستان است و هم، دستورات الهی و هم، دستورات شرعی ولی انجیل اینطور نیست. این قسمتش را دقّت کنیم عیسی علیه‌السلام می‌فرماید که من آمده‌ام که بار گناهان امّت را به گردن بگیرم. البتّه نه اینکه گناه یکی به پای دیگری نوشته می‌شود ولی «آمده‌ام» یعنی خداوند اینطور گفته، نه اینکه من آمده‌ام که این کار را بکنم. می‌فرماید که من بارها به شما گفته‌ام که من یک انسانی هستم مثل شما یعنی در واقع همان عبارتی که ما در قرآن داریم از قول پیغمبر قُلْ إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُکُمْ یُوحی إِلَیَّ (سوره کهف، آیه ۱۱۰/ سوره فصلت، آیه ۶) پیغمبر فرمود: من بشری مثل شما هستم. پیروان پیغمبر هم یعنی ماها، همه، مشتاق آن أَنَا بَشَرٌ مِثْلُکُمْ هستیم یعنی وقتی پیغمبر می‌گوید: بشری مثل شما است، ما هم همینطور. یُوحی إِلَیَّ را که پیغمبر فرمود، نه دیگر. در مورد ما صدق نمی‌کند، ما به پیروی از آن وحی افتخار می‌کنیم. عیسی علیه‌السلام هم چنین حرفی فرمود، بعد گفت: خداوند من را از این باری که در اثر گناهان شما بر دوش من می‌افتد، نجات بدهد یعنی در واقع یک گوشه‌ای از گناهان امّت را هم، به گردن گرفت.

این عبارت هم عبارتی است که در قرآن هم نظیرِ آن هست، آنجایی که خداوند خطاب به پیغمبر می‌گوید که فَاسْتَقِمْ كَما أُمِرْتَ وَ مَنْ تابَ مَعَكَ (سوره هود، آیه ۱۱۲)، محکم باش، استقامت کن در مورد آنچه به تو امر کردم. وَ مَنْ تابَ مَعَكَ، آنهایی هم که با تو هستند، همینطور باشند. خطاب به خودِ آنها نمی‌کند، خطاب به پیغمبر می‌کند و می‌گوید: پیروان تو هم همینطور باشند که پیغمبر فرمود که شَيَّبَتْنِي هُودٌ، سوره‌ی هود من را پیر کرد یعنی از ناراحتی، گفتند: چرا؟ فرمود: به‌واسطه‌ی این آیه: فَاسْتَقِمْ كَما أُمِرْتَ، من خودم را نگه‌می‌دارم ولی امّت را چطوری؟ من چکار کنم؟ فَاسْتَقِمْ كَما أُمِرْتَ وَ مَنْ تابَ مَعَكَ که منظور در این مورد شبیه بودنِ دستورات عیسی است.

در کتاب‌های دیگر ندیدیم، دستور البتّه به همه‌ی پیغمبران بوده ولی در این دو مورد خیلی صریح است که عیسی می‌فرمود که من بارها به شما گفتم که من بنده‌ای از بندگان خداوند هستم که برای اینکه بنی‌اسرائیل را از خواب غفلت درآورم، متوجّه‌شان کنم، آمدم یعنی خودش را پیغمبری در بنی‌اسرائیل معرفی می‌فرماید که می‌فرماید: بیش از این اگر بگویید، گناه دارد. گناهِ آنهایی که من را خدا می‌دانند یا من را یکی از خدایان می‌دانند، آن حرف، آن هم به گردن من است، مقداریش به گردن من است، خداوند از من بازخواست می‌کند که چرا مریدانت اینطوری هستند؟ که این مثلاً در بین ماها هست یکی از داستان‌هایی که مرحوم حاج سیّدعلی آقای روح‌الامین نقل می‌کرد، می‌گفت: در جلسه‌ای بودیم حضرت صالح‌علیشاه بودند و مرحوم آقای حاج شیخ عماد هم بغل دستشان بود. آقای حاج شیخ عماد از مشایخ بسیار بزرگوار و خیلی وارسته بودند. در یک مجلسی یک درویشی همه‌اش نگاهِ آقای حاج شیخ عماد می‌کرد، محو ایشان بود. بعد آقای صالح‌علیشاه به آقای حاج‌شیخ عماد با تندی اشاره کردند که اینطور درویش تربیت می‌کنید که در مجلس حضرت صالح‌علیشاه به یکی از مشایخ توجّه می‌کند؟! که آقای حاج‌شیخ‌عماد می‌گوید به خود لرزیدند. خیلی حسّاس، خلاصه.

حضرت عیسی علیه‌السلام در واقع فرمود تربیت شما با من است، مسئولیّتش با من است، من گناه کردم. حالا این فرمایش عیسی علیه‌السلام و فرمایش پیغمبر ما و قرآن که أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحى إِلَيَّ، این همیشه هست، یادتان نرود. فَاسْتَقِمْ كَما أُمِرْتَ وَ مَنْ تابَ مَعَكَ که مَنْ تابَ مَعَكَ هم هست. گناهان آنها همه به گردن همه‌ی ما است یعنی خداوند چون یک زنجیر انداخته به گردن ماها، امیدواریم آن زنجیر گناه را بردارد و تقریباً می‌توانم بگویم یقیناً برمی‌دارد. منتها نه اینکه از حالا گناه کنید که خدا زنجیرش را بردارد، نه! آن زنجیر را می‌بوسیم، بر چشممان می‌گذاریم و می‌گوییم خدایا! بسم‌الله، مال خودت باشد، ما نمی‌خواهیم.

مثلاً بعضی‌ها یک مریضی داشتند، چیزی داشتند واقعاً متأثّر شدم، همه‌ی فقرا هم متأثّر شدند و خوب شده. بعد یکی دیگر که مثلاً همین بیماری را همسایه‌شان داشته گفتند که می‌خواهی خوب بشوی برو پیش فلان‌کس! آخر من که طبیب نیستم. این گناه شماست که یک چنین کاری می‌کنید و چنین تصوّری می‌کنید که این من هستم که این کار را می‌کنم، نه! گناه شما موجب گرفتاری من هم می‌شود. این آقا هِی می‌آید، هِی می‌آید و بعد هم خدای‌نکرده از لطف خداوند مأیوس می‌شود، نه! اینقدر به‌اصطلاح اشتباه نکنید.

البتّه هر بشری راهی به سمت خدا دارد و یک حلقه‌ی زنجیری را که به خدا وصل است، می‌گیرد. همه این را دارند منتها بعضی‌ها آن سر حلقه را که گرفتند، آن سر حلقه دست خداست، این را که تکان بدهند آن هم تکان می‌خورد ولی حلقه و زنجیر مال خداست که سرازیر بکند این توجّه را در همه‌ی حالات بکنید و برای اینکه این اشتباه هم نشود، در درویشی ذکر و فکر گفتند یعنی تمام حواستان متوجّه آن معنویّتی باشد که در شما هست و ان‌شاءالله خداوند ما را از همه‌ی اشتباهات حفظ کند. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۵/۱۰، جلسه خواهران ایمانی)

*****

سه‌شنبه‌ی آینده مصادف با سالروز رحلت حضرت صادق علیه‌السلام است. همه‌ی ائمّه‌ی شیعه را به‌عنوان ابن رسول‌الله احترام می‌کردند. مردم احترام به این عنوان می‌کردند، خلفا احترامِ مراقبت به این عنوان که نکند اینها قیام کنند و خلافت را از آنها بگیرند. اسمش را گذاشته بودند «خلافت».

حضرت صادق از جمله‌ی معدودی است که چون دوران اوج قدرت بنی‌امیّه تمام شده بود، در حضیض ذلّت بودند یعنی آن حضیض ذلّتی که بودند، آشکار شد. این است که مردم، عقاید مختلف، مکتب‌های مختلف مذهبی ایجاد شد و بحث می‌کردند و بسیاری از علمای اسلامی چه در شیعه و چه در سنّی، در این ایّام از شاگردان ایشان به حساب می‌آمدند.

از ائمّه‌ی شیعه هم در واقع به‌عنوان جاسوسی مراقبت می‌کردند. می‌آوردند نزدیک دستگاه خلافت که مراقب باشند ولی به ظاهر به‌صورت احترام. به همین‌جهت ما اگر این نظر را بپذیریم که هر نژادی، هر گروهی یک خصوصیّات خاصّی دارد، خصوصیّات اهل سنّت با اعراب بهتر می‌سازد تا با ایرانی‌ها. ایرانی‌ها بیشتر شیعه بودند. بیشتر بزرگان اسلامی هم، آنهایی که تحقیقاتی کردند، کتاب‌هایی نوشتند، چه در شیعه و چه در سنّی، ایرانی بودند یعنی اصلیّت ایرانی داشتند. حالا شاید خدا بخواهد مثلاً یک وقتی مجدّد این اعلمیّت جلوه کند ظاهر بشود. ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح پنج‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۵/۱۵)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجّاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت‌وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید.